



Prosodic Characteristics of Discourse Markers and Interjections: Interactional Approach

Tina, Amrollahi ¹ 

Golnaz, Modarresi Ghavami ² 

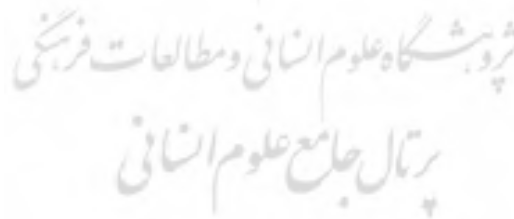
Department of Linguistics, Faculty of Persian
Literature and Foreign Languages, Allameh
Tabataba'i University

Department of Linguistics, Faculty of Persian
Literature and Foreign Languages, Allameh
Tabataba'i University

Abstract

In this article, based on interactional Sociolinguistics approach, prosodic characteristics of interjections and discourse markers in Persian conversations are discussed. Interactive meaning is influenced by the tone of voice. Therefore, the study of the prosodic features of linguistic elements, including discourse markers and interjections, is essential for the pragmatic interpretation of conversations. To this end, data from the social drama "Anonymous Alley" are chosen to have conversations that are closest to everyday speech. The dialogues are transcribed using the North American Phonetic Alphabet and studied based on Jeffersonian symbols to determine the functions of prosodies. Interjections show more duration, less tempo and high pitch to emphasize their function. Discourse markers show more tempo, lack of emphasis and less tension, showing their process of grammaticalization.

Keywords: Discourse Markers, Interjections, Social Drama, Interactional Sociolinguistics, Prosodies




1. tina.amrollahi@gmail.com


2. gmodarresi@yahoo.com

How to cite: Amrollahi, T., & Modarresi Ghavami, G. (2022). Prosodic Characteristics of Discourse Markers and Interjections: Interactional Approach. *Language and Linguistics*, 18(36), 83-109. doi: 10.30465/lsi.2023.44538.1664

نگاه تعاملی به ویژگی‌های نوایی اصوات و گفتمان‌نماها

امراهی، تینا 

گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه
علامه طباطبائی، تهران، ایران

مدرسی قوامی، گلناز 

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی،
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده: در این مقاله براساس آموزه‌های جامعه‌شناسی‌زبان تعاملی به ویژگی‌های نوایی اصوات و گفتمان‌نماها در مکالمات فارسی پرداخته می‌شود. معنای تعاملی از لحن صدا تأثیر می‌پذیرد. بنابراین مطالعه ویژگی‌های نوایی عناصر زبانی و از آن جمله گفتمان‌نماها و اصوات برای تفسیر کاربردشناختی مکالمه ضروری است. برای این منظور داده‌هایی از درام اجتماعی «کوچه بی‌نام» گردآوری شده‌اند تا داده‌ها بیشترین نزدیکی را به گفتار روزمره داشته باشند. دیالوگ‌ها با به‌کارگیری الفبای آوایی آمریکای شمالی آوانویسی و با نمادهای جفرسونی تحلیل شده‌اند. در مورد اصوات شاهد دیرش، سرعت کم و زیروبمی بالا با هدف تأکید بر کارکردهای مختلف این ابزار زبانی هستیم. در رابطه با گفتمان‌نماها نیز شاهد سرعت در تولید، عدم تأکید بر خود گفتمان‌نما و شدت کم هستیم که خود گویای حذف نقش معنایی آنها و تغییر در راستای دستوری‌شدگی و کارکرد کاربردشناختی است.

کلیدواژه‌ها: گفتمان‌نما، صوت، درام اجتماعی، جامعه‌شناسی زبان تعاملی، عناصر نوایی.

۱ مقدمه

جامعه‌شناسی زبان تعاملی (گامپرز^۱، ۱۹۹۲) به نظم درونی مکالمه می‌پردازد که مشارکین به آن تجلی می‌بخشند. علامت‌هایی که در این روند، مشارکین برای یکدیگر می‌فرستند، در واقع همان سرنخ‌های بافت‌سازی^۲ هستند. مشارکین به واسطه این سرنخ‌ها مشخص می‌کنند به نظرشان در چه تعاملی هستند، مکالمه به کدام سمت می‌رود و دیدگاهشان به فرایند مکالمه چیست. تمام انواع گفتمان‌ها و ویژگی‌های نوایی مانند آهنگ، حجم صدا و سرعت گفتار، که می‌توانند نشان‌دهنده دیدگاه گوینده باشند، ذیل بحث سرنخ‌های بافت‌سازی مطرح می‌شوند. مذاکره تعاملی^۳ درباره اهداف، راهکارها و تفسیرها، موضوع اصلی در تحلیل مبتنی بر جامعه‌شناسی زبان تعاملی است. به باور پژوهش‌گران زبان‌شناسی تعاملی^۴ همچون سلتنینگ^۵ (۲۰۱۰) و کوپرکهلن^۶ (۲۰۰۹) معنای تعاملی^۷ از لحن صدا^۸ و به بیانی دیگر از عناصر نوایی^۹ حاضر در مکالمه به دست می‌آید. به اعتقاد ویچمان، دهه و بارت-وینگارتن^{۱۰} (۲۰۰۹: ۲۳-۱) عناصر نوایی شامل حرکات زیروبمی^{۱۱}، زمان‌بندی^{۱۲}، حجم صدا^{۱۳} و کیفیت صدا^{۱۴} تأثیر بسزایی در معنای کاربردشناختی دارند. از عناصر نوایی برای بازنمایی ساختار متن استفاده می‌شود. همچنین عناصر نوایی و مشخصاً آهنگ در ایجاد معنای منظوری پاره‌گفتار تأثیر بسزایی دارند.

مولر^{۱۵} (۱۹۹۶) نیز معتقد است مسأله مهم در مطالعه گفتار روزمره این است که موقعیت طبیعی مستلزم وابستگی متقابل گفتن و شنیدن است. شنونده با صداسازی^{۱۶} می‌تواند نشان دهد گفته‌های قبلی را چگونه دریافت کرده است. برای مثال، عموماً نوبت‌های کوتاه عناصر نوایی بیشتری دارند. گاهی شنونده باید این نوبت‌ها را از نظر نوایی برجسته‌تر کند و وابستگی یا عدم وابستگی خود را نشان دهد. عدم وابستگی به صورت خروج از ریتم و نواخت بازنمایی می‌شود. در واقع شنونده بدین وسیله موضع خود نسبت به مکالمه را نشان می‌دهد (کوپرکهلن و سلتنینگ ۱۹۹۶: ۱۳۱-۱۷۷).

سلتنینگ و کوپرکهلن (۱۹۹۶: ۱۱-۵۷) نیز به این مسأله اشاره می‌کنند که ساختارهای

- | | | |
|---|---------------------------|------------------------------|
| 1. J. J. Gumperz | 2. contextualization cues | 3. interactional negotiation |
| 4. interactional linguistics | 5. M. Selting | 6. E. Couper-Kuhlen |
| 7. interactive meaning | 8. tone of voice | 9. prosodies |
| 10. A. Wichmann, N. Dehé, D. Barth-Weingarten | | 11. pitch movement |
| 12. timing | 13. volume | 14. quality |
| 15. F. E. Müller | 16. vocalization | |

زبانی موقعیت-وابسته و حساس به بافت هستند. دستور در واقع ابزاری نشانه‌شناختی برای تولید همپارانه‌ فعالیت و مدیریت روابط در زندگی روزمره است. مشارکین، بخش‌هایی از گفتار را به عنوان واحد ساختاری نوبت^۱ تشخیص می‌دهند و هر پاره‌گفتار نشانه‌ای از تفسیر گفتگوی قبلی به همراه دارد. نوبت‌ها در مکالمه به دو بخش تقسیم می‌شوند. رویداد اصلی با ساختار سازه‌ای و معنای مشخص از یک سو و نشانگر کاربردشناختی جدای از ساختار سازه‌ای رویداد اصلی از سوی دیگر که آن را به بافت پویا ارتباط می‌دهد و نشان‌دهنده مفاهیم زیر است: فرضیاتی درباره رویداد گفتاری جاری، رابطه بینافردی مشارکین، رابطه رویداد اصلی با نوبت‌های قبلی، برداشت و دیدگاه و وضعیت احساسی گوینده و غیره. بنابراین، ویژگی اصلی گفتمان طبیعی، تبادل تعاملی اطلاعات و فرایند گفتمان همپارانه است که در جهت ایجاد اشتراک متقابل عمل می‌کند. واکنش به اطلاع جدید به صورت احساسی هم به محتوای اطلاع بستگی دارد هم به میزان جهت‌گیری شناختی نسبت به دانش پیشین و میزان قطعیت یا تردید. اولین انتخاب برای بازنمایی احساس و جهت‌گیری شناختی در رابطه با اطلاع جدید، اصوات^۲ هستند.

اصوات به عنوان یکی از نشانگرهای کاربردشناختی زبان به سه دسته ارادی^۳ با نقش امری^۴، احساسی^۵ و شناختی^۶ تقسیم می‌شوند. این عناصر زبانی اغلب نشان‌دهنده دیدگاه گوینده‌اند و نقش کاربردشناختی واحدی ندارند. اصوات اصلی شامل صداهایی می‌شوند که اغلب برای نشان دادن تعجب، تردید یا مخالفت در ابتدای نوبت مکالمه به کار می‌روند. اصوات ثانویه شامل دیگر طبقات دستوری هستند که به عنوان صوت، دستوری شده‌اند. اصوات هم احساس گوینده را نشان می‌دهند، هم نشانه تضاد، گسترش معنا و انتقال هستند (نوریک^۷ ۲۰۰۷: ۱۵۹-۱۶۸)، به تنهایی و به صورت پاره‌گفتار به کار می‌روند و احساس لحظه‌ای یا واکنش را نشان می‌دهند و شامل نشانه‌های تعجب، ناسزا، احوالپرسی و تردید می‌شوند.

همچنین براساس شیفرین^۸ (۱۹۸۲)، گفتمان‌نماها^۹ نیز زیربخشی از نشانگرهای کاربردشناختی هستند؛ گروهی که رابطه رویداد اصلی را با نوبت قبلی نشان می‌دهند. گفتمان‌نماها اطلاع نحوی یا معنایی خاصی ندارند، کارکرد آنها وابسته به گوینده و بافت است (به نقل از کابارائو^{۱۰} و همکاران ۲۰۱۵).

1. turn construction unit	2. Interjections	3. volitive
4. Imperative	5. emotive	6 cognitive
7. N. Norrick	8. D. Schifferin	9. discourse markers
10. V. Cabarrão, H. Moniz, J. Ferreira, F. Batista, I. Trancoso, A. I. Mata, S. Curto		

درواقع گفتمان‌نماها گفتار را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده و رابطه میان آن بخش‌ها را نشان می‌دهند. اغلب گفتمان‌نماها را در چهار دسته کلی بینافردي^۱، ارجاعی^۲، ساختاری^۳ و شناختی تقسیم می‌کنند. گفتمان‌نماها اغلب برای جلب توجه شنونده به بخشی از گفتمان یا بازنمایی هدف گوینده برای پیشبرد گفتمان به کار می‌روند. برای ارتباط دادن بخش‌های گفتمان، بیان اغراق یا تردید از سوی گوینده یا مدیریت نوبت از سوی مشارکین در تعامل از آنها استفاده می‌شود. گفتمان‌نماها با معنای کاربردشناختی به کار می‌روند و تأثیری در معنای گزاره‌ای پاره‌گفتار ندارند بلکه توالی و ارتباط پاره‌گفتارها را نشان می‌دهند و جایگاه پاره‌گفتار را در بافت کلی منسجم گفتمان مشخص می‌کنند. همچنین جهت‌گیری موضعی یا کلی را برای شنونده مشخص می‌کنند. هم بافت گفتمان‌نما هم ویژگی‌های نوایی آن در درک شنونده تأثیرگذارند.

از آنجایی که معنای تعاملی تحت تأثیر آهنگ کلام است، این مقاله به بررسی ویژگی‌های نوایی گفتمان‌نماها و اصوات در مکالمه می‌پردازد. در ادامه بعد از اشاره به مفاهیم نظری مورد نظر این مقاله (مبانی نظری) به خلاصه‌ای از مطالعات پیشین در این حوزه پرداخته می‌شود (پیشینه مطالعات). در بخش تحلیل داده مکالماتی از درام اجتماعی کوچه بی‌نام بعد از آوانویسی در راستای مفاهیم تحلیل مکالمه جفرسونی بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. در بخش آخر نتایج تحقیق ارائه می‌شوند.

۲ مبانی نظری

لوینسون^۴ (۱۹۸۳) نخستین کسی است که به واژه‌هایی اشاره می‌کند که ارتباط پاره‌گفتار با گفتمان پیشین را نشان می‌دهند. این عناصر (گفتمان‌نماها) مقوله‌ای نقشی-کاربردی هستند و در تعیین صدق و کذب گزاره نقش ندارند. نقش‌نماهای گفتمان می‌توانند از نظر نوایی با یا بدون تکیه تلفظ شوند، یک واحد آهنگی مستقل باشند یا در درون واحد آهنگی دیگری تولید شوند. به لحاظ آوایی، اغلب کاهش یافته^۵ هستند و در پیوستار تکواژهای قاموسی-دستوری به قطب دستوری نزدیک‌ترند. هنسسن^۶ (۱۹۹۸) نقش‌نماهای گفتمان را در کنار اصوات، حروف ربط، قیدهای جمله، ادوات وجه و ادوات تأکید در مقوله ادوات^۷ قرار

1. interpersonal

2. referential

3. structural

4. S. C. Levinson

5. reduced

6. M. B. M. Hansen

7. particles

می‌دهد. وی معتقد است نقش‌نماهای گفتمان عناصر غیر گزاره‌ای هستند که کارکرد اصلی آنها ایجاد ارتباط بین بخش‌های گفتمان است. برای نمونه، نقش‌نمای گفتمان بعد در فارسی برای افزودن بخش دیگر به گفتمان استفاده می‌شود. بعد به عنوان پیوند افزایشی، چیزی بر اطلاعات قبلی می‌افزاید، تأییدکننده آن است و دال بر نوعی شباهت بین مطلب قبلی و بعدی است (به نقل از مقدم‌کیا، ۱۳۸۳: ۹۸-۸۱).

گفتمان‌نماها به ویژه در زبان محاوره از اهمیت خاص برخوردارند و نقش‌هایی متفاوت از جمله نقش تأکیدی دارند. بلکمور^۱ (۱۹۸۷، ۱۹۹۲) معتقد است گفتمان‌نماها معنای بازنمودی^۲ ندارند، بلکه تنها معنای رویه‌ای^۳ دارند. این واحدهای زبانی به لحاظ دستوری اختیاری و از نظر معنایی تهی هستند، اما از نظر کاربردشناختی نه اختیاری‌اند و نه زائد. گفتمان‌نماها به گوینده اجازه بیان و به شنونده اجازه درک مطلب را می‌دهند. بلکمور (۲۰۰۲) همچنین معتقد است گفتمان‌نماها برای نشان‌دار کردن عنصری در گفتمان، بیان عقاید و احساسات و ایجاد ارتباط میان گفتمان حاضر و گفتمان قبل استفاده می‌شوند و شنونده را در ساختار کلام برای نوبت بعدی آماده می‌کنند. هاینه^۴ (۲۰۱۳) نیز مشخصات پیش‌نمونه گفتمان‌نماها را بدین صورت به دست می‌دهد: استقلال نحوی، استقلال نوایی، معنای غیرتحدیدی، معنای رویه‌ای و یک واحد واژگانی بودن (به نقل از آرام و مشکین‌فام، ۱۳۹۷). به باور لم^۵ (۲۰۰۹) نیز گفتمان‌نماها استقلال نوایی^۶ دارند، یعنی یا به صورت واحد نواختی جدا می‌آیند یا به عنوان پیش-هسته^۷ در یک گروه نواختی واحد (بارت وینگارتن، دهه و ویچمان، ۲۰۰۹: ۱۰۷-۱۲۹).

مولر^۸ (۲۰۰۵) نقش‌های گفتمان‌نماها را تغییر مسیر گفتگو، پیش‌درآمد برای پاسخ یا واکنش به مخاطب، پر کردن زمان گفتگو، حفظ نوبت، ابراز همدلی با مخاطب، نشانه توجه مخاطب، شروع گفتمان و ایجاد انسجام در گفتمان می‌داند. بریتون^۹ (۱۹۹۶) برای گفتمان‌نماها، قادل به وجود دو فرانش است: در فرانش بینافردی به ایجاد دوام گفتمان بین مشارکین می‌انجامد و در فرانش متنی باعث ایجاد پیوستگی بین گزاره‌های گفتمان می‌شوند (به نقل از مؤمنی، ۱۳۸۵).

گفتمان‌نماها در فرانش بینافردی^{۱۰} نقش‌های بیان نظر، رعایت ادب، تأکید، واکنش، همکاری و صحنه‌گذاری دارند و در فرانش متنی^{۱۱} نقش‌های حفظ نوبت، نوبت‌گیری،

1. D. Blackemore

4. B. Heine

7. pre-head

10. interpersonal metafunction

2. representational

5. P. W. Y. Lam

8. S. Müller

11. textual metafunction

3. procedural

6. prosodic autonomy

9. L. Brinton

اصلاح گفتمان، تغییر موضوع، اشاره به اطلاعات نو و کهنه، نشان دادن ارتباط گزاره‌های مرتبط و علامت شروع و خاتمه گفتمان را ایفا می‌کنند (آرام و مشکین‌فام، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۱). هاوس^۱ (۲۰۰۹) نیز به این مسأله اشاره می‌کند که مکالمه‌های تعاملی از توالی نوبت‌هایی ایجاد می‌شوند که باید مورد مذاکره قرار گیرند. برای بازیابی معنا، گزاره‌ها باید نسبت به بافت ارزیابی شوند؛ بافت حاصل دانش مشترک است یعنی مشارکین باید به مجموعه مشترکی از فرضیات دسترسی داشته باشند تا به درک برسند. بافت تعاملی به لحاظ ساختاری از سوی مشارکین و در قالب تعامل نظام‌مند، سازماندهی، تولید و مدیریت می‌شود (بارت وینگارتن، دهه و ویچمان، ۲۰۰۹: ۱۴۳-۱۲۹).

گفتمان‌نماها در فرایند دستوری‌شدگی، همه یا بخشی از معنای واژگانی یا ویژگی‌های دستوری خود را از دست داده‌اند و در سطح گفتمان ایفای نقش می‌کنند. شیفرین (۱۹۸۷) گفتمان‌نماها را شامل حروف ربط، قیده‌های ربطی و زمانی، اصوات و بندهای معترضه می‌داند که معمولاً در آغاز و پایان یک نوبت مکالمه رخ می‌دهند. ورزبیکا^۲ (۱۹۸۶) همچنین حروف ندا و کلمات سوگند را نیز گفتمان‌نما می‌داند. شیفرین (۲۰۰۱) معتقد است گفتمان‌نماها هم معنای زبانی (معنایی، کاربردشناختی و نقشی) هم اطلاعاتی درخصوص توانش شناختی، بیانی، اجتماعی و متنی افراد به دست می‌دهند (ونرستروم^۳، ۲۰۰۱: ۱۳۱-۹۶). نوریک (۲۰۰۷) نیز معتقد است گفتمان‌نماها معنا ایجاد نمی‌کنند بلکه شنونده را به سمت خاصی هدایت می‌کنند. گفتمان‌نما با مکث از باقی پاره‌گفتار جدا می‌شود، اغلب کوتاه در حد یک کلمه یا مخفف‌شده هستند، نقش نمایه‌ای دارند، نقش خاصی در معنای گزاره‌ای ندارند. اغلب می‌توان آنها را با هم ادغام کرد و حاصل دستوری‌شدگی هستند (ایمو^۴، ۲۰۰۵).

گفتمان‌نماها روابط پیوستگی^۵ میان نوبت‌ها را نشان می‌دهند که از آن جمله می‌توان به تضاد و تقابل، علت و معلول، افزودگی، انتخاب و توضیح اشاره کرد (طاهری قلعه‌نو و دبیرمقدم ۱۳۹۸: ۱۴۱-۱۷۲). براساس هاکولینن^۶ (۱۹۹۸) گفتمان‌نماها از نظر دستوری اختیاری هستند اما از نظر زبان‌شناسی تعاملی نمی‌توان آنها را اختیاری در نظر گرفت. او مان^۷ (۱۹۹۶) نیز معتقد است رابطه متقابل دستور و تعامل اهمیت دارد چرا که موضوع

1. J. House

2. A. Wierzbicka

3. A. Wennerstrom

4. W. Imo

5. coherence

6. A. Hakulinen

7. S. Uhmman

اصلی در تحلیل مکالمه، مسأله تعامل است. زبان گفتاری به عنوان بخشی از تعامل شکل می‌گیرد و جدای از آن نمی‌تواند به شکل کافی مطالعه شود (به نقل از سلتنینگ و کوپرکهلن ۲۰۰۱: ۲۳-۱). به اعتقاد هایاشی^۱ (۲۰۱۳)، نیاز تعاملی، انگیزه مشارکین برای تعدیل و تغییر دستور قراردادی می‌شود. رابطه‌ای میان سازمان دستوری پاره‌گفتارها در کاربرد موقعیت‌وابسته زبان و سازمان کنش اجتماعی است که پاره‌گفتارها در آن به کار گرفته می‌شوند.

اصوات به عنوان صورت زبانی برای بازنمایی احساس در برابر درد، تعجب یا دیگر احساسات غیرمنتظره به کار برده می‌شوند. اصوات نقش‌های گفتمانی دارند و بافت‌وابسته هستند. اهمیت کاربرد اصوات در تعامل مطرح است. اصوات رابطه‌گوینده، شنونده و گفتمان را نشان می‌دهند و توالی صداها، واژه‌ها یا عبارات مشخصی هستند که در گفتار از طریق تولید با شدت بیشتر، تکیه و زیرومی دیده می‌شوند. اصوات احساسی در سن پایین فراگرفته می‌شوند. رابطه‌ای میان عناصر نوایی احساسی در گفتار، اصوات احساسی در نوشتار و تداول واژگانی اصوات برقرار است.

گفتمان از طریق دو یا چند فرد بازتولید می‌شود که نوبت خود را با تبادل در جریان وفق می‌دهند. گفتمان‌نماها انسجام کاربردشناختی تعامل را ایجاد می‌کنند و ثابت می‌کنند تعامل کلامی باید ساختار کاربردشناختی داشته باشد. ارزش ارتباطی در واقع به بافت بستگی دارد که به صورت پیوسته بازتولید می‌شود. هر کنش پیدایشی هم به بافت شکل می‌دهد چرا که به موقعیت بلافصل و پیشین مربوط می‌شود و هم بافت را بازتولید می‌کند چرا که سهمی در کنش‌هایی دارد که در پی آن می‌آیند (مترود^۲، ۲۰۱۰: ۳۸-۲۷). ساکس، شگلوف و جفرسون^۳ (۱۹۷۴) به این نکته اشاره می‌کنند که مشارکین در مکالمه حتی الامکان به دنبال کم کردن فاصله‌ها و هم‌پوشی‌ها در مکالمه هستند. همچنین در هم‌پوشی‌های غیررقابتی در واقع با همان ادامه دادن یا به کار بردن اصوات توجه‌نما روبه‌رو هستیم. مشارکین برای مدیریت هم‌پوشی به صورت نظام‌مند از تغییر ارتفاع فرکانس پایه استفاده می‌کنند.

بررسی ویژگی‌های نوایی گفتمان‌نماها براساس معنای کاربردشناختی آنها در بافت صورت می‌گیرد. بررسی حضور و جایگاه مکث و فرکانس پایه در بافت بلافصل مورد

1. M. Hayashi

2. S. B. Matrood

3. H. Sacks, E. A. Schegloff, G. Jefferson

توجه قرار می‌گیرد. نقش‌های مشابه کاربردی در زبان‌های مختلف با ویژگی‌های مشابه نوایی بیان می‌شوند. معنای گفتمان‌نماها به بافت وقوع بستگی دارد. گفتمان‌نماها اغلب از نظر آوایی کاهش یافته یا تکیه‌زدایی شده هستند. نقش‌های گفتمان‌نماها شامل معرفی موضوع جدید یا شروع صحبت، بیان نتیجه‌گیری، ارائه اطلاعات اضافی و شروع دوباره بعد از مکث است. در حالی که این واژه‌ها وقتی گفتمان‌نما نیستند اغلب بدون مکث به کار می‌روند؛ در شرایطی که گفتمان‌نما هستند اغلب با مکث قبل از خود و گاهی هم قبل و هم بعد به کار می‌روند. حضور بیشتر مکث در اطراف گفتمان‌نماها نشانه استقلال نحوی نسبی آنهاست که از طریق عناصر نوایی مورد تأکید قرار می‌گیرد (لی و همکاران^۱، ۲۰۲۰) استفاده از عناصر نوایی برای مشخص کردن معنای کاربردشناختی واژه‌هایی که بار معنایی خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند نیز مطرح است. نقش‌های کاربردشناختی مورد نظر شامل معرفی، معرفی دوباره، نتیجه‌گیری، ابراز تردید، افزودن، تعامل، بیان احساس، تأیید، قطع کلام، انتقال دیالوگ، بازنویسی و اصلاح است. نکات نوایی مورد نظر شامل وقوع مکث و اندازه آن، انرژی واکه‌ای، دیرش هجا و غیره می‌شود (لی و همکاران^۲، ۲۰۱۹).

طبقه‌بندی گفتمان‌نماها براساس ویژگی‌های نوایی نیز امکان‌پذیر است. گفتمان‌نماها در نقش قید، حرف ربط و صوت دیده می‌شوند و کارکرد کاربردشناختی یا گفتمانی دارند. شناسایی گفتمان‌نماها از طریق ویژگی‌های آکوستیک و نوایی صورت می‌گیرد (کابارائو و همکاران، ۲۰۱۵). تفسیر گفتمان‌نماها بسته به بافت حضورشان صورت می‌گیرد. براساس نظریه ارتباط اسپربر^۳ و ویلسون^۴ (۱۹۹۵) هر پاره‌گفتار با این هدف تولید می‌شود که بیشترین ارتباط و انسجام را با گفتمان قبلی داشته باشد. گفتمان‌نماها تعدیل در بافت مرتبط را تسهیل می‌کنند و بیشتر در گفتار غیررسمی دیده می‌شوند (میشلسن^۵، ۲۰۱۹).

مشارکین آنچه در حال اتفاق افتادن است را با توجه به آنچه گذشته درمی‌یابند اما گاهی آنچه گفته می‌شود به آنچه در جریان است مربوط نیست بلکه به صحبتی قدیمی‌تر مربوط می‌شود که این مسأله با ویژگی‌های آوایی بازنمایی پیدا می‌کند. یکی از آموزه‌های اصلی تحلیل مکالمه این است که هر نوبت را می‌توان بر این اساس مطالعه کرد که چطور به

-
1. L. Lee, D. Jouvet, K. Bartkova, Y. Keromnes, M. Dargnat
 2. L. Lee, B. Katarina, D. Jouvet, M. Dargnat
 3. D. Sperber
 4. D. Wilson
 5. V. Michilsen

واسطه نوبت‌های قبلی شکل گرفته و چطور در شکل‌گیری نوبت‌های بعدی تأثیر دارد. هر نوبت ادامه نوبت قبلی تلقی می‌شود مگر اینکه با ابزاری خاص به سمت موضوع دیگری جهت‌گیری شود. اصوات برای اشاره به ارتباط نوبت با نوبت قبل‌تر استفاده می‌شود. از نظر آوایی با تنوع کمتر به کار می‌روند. نقش آن‌ها براساس کلیات ویژگی‌های ساختاری مانند جایگاه در توالی مثلاً در ادامه نوبت کناری مطرح است که خودش هم ارتباط با کنش در حال انجام را قطع می‌کند. جایگاه آن‌ها در نوبت مورد نظر و ویژگی‌های آوایی مد نظر است. مورد آخر شامل زیروبمی، حجم صدا و سرعت در کنار مشخصه‌های تولیدی همخوانی و کیفیت صدا است. پارامترهای نوایی را باید مجموعه‌ای نقشی در نظر گرفت فارغ از نوایی یا زنجیری بودن آنها که براساس نوع کاربرد توسط مشارکین برای نیل به هدف تعاملی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از این پارامترها برای مدیریت لحظه‌ای جریان گفتار روزمره دیده می‌شود (لوکال^۱ (۲۰۰۴) در کوپرکهلن و فورد^۲، ۲۰۰۴: ۴۰۱-۳۷۷).

گفتمان‌نماها تأثیری در گزاره پاره‌گفتار نداشته و صرفاً جنبه کاربردشناختی دارند. جایگاه آغازین برای آنها همراه با برجستگی است و در نتیجه نقش ساختاری آنها برای مخاطب مشخص می‌شود. گفتمان‌نماها اغلب نتیجه دستوری‌شدگی هستند. معمولاً در ابتدای پاره‌گفتار یا در گروه مجزا پیش از پاره‌گفتاری که چارچوب آن را تشکیل می‌دهند قرار می‌گیرند. در میان پاره‌گفتار به صورت اصلاح یا توضیح اضافه دیده می‌شوند. به ندرت به صورت منسجم به لحاظ نوایی در جایگاه پایانی پاره‌گفتار دیده می‌شوند. گاهی شبیه به پرسش ضمیمه‌ای به کار می‌روند (ایمو، ۲۰۰۵).

ویژگی‌های نوایی گفتمان‌نماها براساس معنای کاربردشناختی در بافت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در مورد گفتمان‌نماها، رفتار نوایی خاص براساس حضور و جایگاه مکث و تولید فرکانس پایه در بافت بلافصل مد نظر است. گفتمان‌نماها در سطح موقعیتی یا گفتمانی فعالتند. معنای کاربردشناختی گفتمان‌نماها براساس بافت یا موقعیت گفتمانی مطرح می‌شود. عناصر نوایی در رابطه با گفتمان و گفتار احساسی مطرح می‌شوند چون معنایی فراتر از معنای معناشناختی سنتی به همراه دارند. این واژه‌ها اگر به عنوان گفتمان‌نما به کار روند کاهش یافته و بدون تکیه می‌شوند. تولید نوایی گفتمان‌نماها به نقش کاربردشناختی آنها در بافت بستگی دارد. کارکردها در زبان روزمره طبقه‌بندی می‌شوند و شامل شروع دوباره،

1. J. Local

2. E. Couper-Kuhlen and C. E. Ford

نتیجه‌گیری، نوبت‌گیری، پاسخ، ختم کلام، نقل قول، بدل، تردید و تأیید می‌شوند. بار معنایی در صورت کاربرد به عنوان گفتمان‌نما کمتر است و بیشتر، معنای کاربردشناختی دارد و با توجه به بافت می‌تواند چند معنا داشته باشد. بررسی مکث قبل و بعد از گفتمان‌نما و نحوه تولید فرکانس پایه باید مورد توجه قرار گیرد. معمولاً در کاربرد به عنوان گفتمان‌نما با مکث روبه‌رو هستیم؛ مخصوصاً قبل از واژه و گاهی بعد از آن. این نشانه نحو مستقل آنهاست که با ابزار نوایی بازنمایی می‌شود. به عنوان گفتمان‌نما، اغلب در گروه‌های مستقل آهنگی دیده می‌شوند (لی و همکاران، ۲۰۲۰). استفاده از عناصر نوایی برای دریافت معنای کاربردشناختی واژه‌هایی که معنای معناشناختی خود را از دست داده‌اند نیز دیده می‌شود. در مورد ارزش کاربردشناختی یکسان معمولاً با الگوی نوایی یکسان روبه‌رو هستیم.

۳ پیشینه مطالعات

درخصوص ویژگی‌های نوایی گفتمان‌نماها و اصوات کارهای بسیاری در زبان‌های مختلف انجام شده که از آن میان به برخی مطالعات که به لحاظ نظری به بحث حاضر ارتباط بیشتری دارند اشاره می‌شود. در زبان فارسی نیز برخی مطالعات دستور سستی و مطالعات مبتنی بر آموزه‌های زبان‌شناسی در این رابطه معرفی می‌شوند.

برای نمونه، بولینجر^۱ (۱۹۸۹: ۳۴۱-۳۰۰) در مطالعه گفتمان‌نمای well در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که این گفتمان‌نما در نوبت‌گیری و برقرار کردن انسجام مکالمه‌ای نقش دارد. مشارکان در مکالمه این گفتمان‌نما را به کار می‌گیرند تا معنا در موقعیتی خاص منطقی باشد. این مسأله اغلب با کمک عناصر نوایی صورت می‌گیرد. کارکردهای این گفتمان‌نما عبارتند از رد کردن، مخالفت، پیوستگی، نتیجه‌گیری، نقد، چالش، توجیه، تغییر موضوع، تقاضا، آشکار بودن، تعجب و قصد داشتن.

لم (۲۰۰۹) معتقد است در مطالعه گفتمان‌نمای well براساس بررسی نقش نوایی گفتمان‌نما و گروه‌بندی نوایی^۲ مشخص می‌شود این گفتمان‌نما به صورت مستقل به عنوان واحد نواختی یا پیش-هسته به کار می‌رود و خودمختاری نوایی دارد. گفتمان‌نماها ارزش گزاره‌ای پایین اما معانی متنوع کاربردشناختی دارند. خودمختاری نوایی یعنی تمایل بالای گفتمان‌نماها به اینکه واحد نواختی مجزا باشند. اگر بحث استقلال نوایی مطرح نباشد،

1. D. Bolinger

2. Prosodic phrasing

گفتمان‌نماها اغلب از نظر واجی کاهش یافته یا بدون تکیه هستند. براساس برزیل^۱ (۱۹۹۷)، انتخاب آهنگ با هدف، به صورت آنالین از سوی مشارکین براساس درک آنها از بافت موقعیتی صورت می‌گیرد. well اغلب به صورت مستقل به لحاظ نوایی و بنابراین با برجستگی دیده می‌شود. اگر واحد نواختی جدا نباشد اغلب بدون تکیه است (بارت وینگارتن، دهه و ویچمان، ۲۰۰۹: ۱۲۹-۱۰۷).

از نظر میشلسن (۲۰۱۹)، گفتمان‌نمای well ابزار نوبت‌گیری و توصیف‌کننده است. بررسی وجود تکیه بر روی well و نوع تکیه از یک طرف و چگونگی بازنمایی آن و اینکه آیا گروه تکیه‌ای خود را دارد یا خیر از طرف دیگر در کنار دیرش well و اینکه آیا در جایگاه آغازین قرار می‌گیرد یا خیر اهمیت دارد.

ایمو (۲۰۰۵) بدین مسأله اشاره می‌کند که گفتمان‌نمای I mean نیز به عنوان نشانه توضیح و تغییر ایده‌ها و اهداف به کار می‌رود. این عبارت یا در آغاز منحنی آهنگی^۲ در کنار باقی پاره‌گفتار یا در منحنی آهنگی مجزا پیش از پاره‌گفتار دیده می‌شود. همچنین می‌تواند به لحاظ نوایی تلفیق شده با جایگاه پایانی پاره‌گفتار دیده شود. نقش متنی آن مربوط می‌شود به سازماندهی توالی و اصلاح و نقش بینافردي مربوط به دیدگاه‌گوینده است. I mean به عنوان گفتمان‌نما برای توجیه و بیان جزئیات بیشتر استفاده می‌شود. با مکث برای بیان عقیده، اصلاح یا به عنوان ارتباط اهداف و پرکننده با معنای حقیقی محدود به کار می‌رود. گفتمان‌نمای I mean نگاهی کاربردی‌شناختی ایجاد می‌کند که نشان می‌دهد چیزی به دنبال آن می‌آید و به صورت نشانه قطع صحبت عمل می‌کند که به لحاظ نحوی و معنایی جریان گفتار را قطع می‌کند تا نشان دهد آنچه در ادامه می‌آید را نباید تداوم پاره‌گفتار پیشین در نظر گرفت. به لحاظ متنی کارکرد اصلاح دارد و برای توسعه ایده و توجیه هدف به کار می‌رود. کارکرد متنی دیگر آن بازنمایی نقل قول است. به لحاظ بینافردي کارکرد آن برای نمونه بازنمایی تغییر دیدگاه همچنین در پاره‌گفتارهایی که موضوع صحبت دشوار است مثلاً راجع به تابو یا مشکلات روانی.

مترن^۳ (۲۰۰۴: ۷۵-۹۴) به نقل از شیفرین (۱۹۸۷) چهار نقش اصلی برای گفتمان‌نمای so در زبان انگلیسی در نظر می‌گیرد که عبارتند از الف) مشخص کردن موضوع اصلی گفتمان، ب) پایان دادن به نوبت مکالمه، پ) مشخص کردن اطلاعی که یکی از مشارکین

1. D. Brazil
2. intonational contour
3. L. Matzen

می‌خواهد از دیگری دریافت کند که در این صورت یا بخشی از پرسش است یا همراه با استنباطی به کار می‌رود که مخاطب باید تأیید یا رد کند و ت) مواردی که نشان‌دهنده نتیجه رویداد یا کنش یا بازنمایی دلیل رویداد یا کنش هستند. وی گفتمان‌نمای SO را در هر یک از این موارد را با استفاده از نرم‌افزار پرت^۱ به لحاظ صوت‌شناختی بررسی کرده است. نتایج نشان داده است که متغیرهای نوایی دیرش، نوع منحنی زیروبمی و جایگاه در واحد آهنگی در کارکردهای فوق متفاوتند.

هورن^۲ (۲۰۰۹) در بررسی زبان سوئدی، نشان می‌دهد واک بازداشته^۳ در تولید صوت uh نشانه عدم اطمینان است. کاهش مشهود بسامد پایه^۴ در واک بازداشته باعث عدم تطابق آهنگ نوبت مکالمه با نوبت پیشین می‌شود که به لحاظ کاربردشناختی نشانه عدم قطعیت است. واک غیربازداشته در تولید صوت uh آن را به ابزار گفتمانی غیرتعاملی بدل می‌کند و نشانه ادب است (بارت وینگارتن، دهه و ویچمان، ۲۰۰۹: ۲۸۹-۲۷۷).

یانگ^۵ (۲۰۱۰) معتقد است در چینی ماندرین صوت Eh برای بازنمایی توجه، تعجب و شک به کار می‌رود. با تغییر زیروبمی و دیرش این کارکردهای متفاوت بازنمایی می‌شوند. همچنین صوت wow در ماندرین در پاسخ به اطلاع نو دیده می‌شود و ویژگی نوایی آن مشخص می‌کند برداشت مثبت است یا منفی. دیرش بیشتر، زیروبمی سطح متوسط و میزان بیشتر افت، اغلب نشانه تعجب کمتر و احساس اعتراض است. درحالی‌که زیروبمی بالا نشانه شدت بیشتر احساس و هیجان است. در مورد کیفیت صدا با حالت نفسی بازنمایی ناراحتی در برابر از دست دادن یک مسئله است. صوت‌های Oh و Ah حتی به تنهایی نشانه شک، تعجب، قبول، در نظر گرفتن و تثبیت اطلاعات هستند. تفاوت در شکل، ارتفاع و دیرش، نشانه تفاوت در میزان قطعیت و تردید است و تعجب بیشتر باعث بالا رفتن زیروبمی می‌شود. تغییر زیروبمی سریع و دیرش کوتاه نشانه عدم درک و نیاز به اطلاع بیشتر است. عناصر نوایی نقش لاینفک در انتقال معانی بافتی چندگانه اصوات دارند. به اعتقاد لوکال (۱۹۹۶)، oh لزوماً به میزان متعجب شدن یا یادآوری نیست. استفاده از آن می‌تواند خودآگاهانه و برای ایجاد تأثیر خاص باشد. موارد وقوع اصوات باید در مکالمه به

-
1. Praat
 2. M. Horne
 3. creaky voice
 4. fundamental frequency
 5. L. Yang

لحاظ ساختاری توصیف شده و معنا و واکنشی که ایجاد می‌کنند بررسی شود. این بخشی از معنای ضمنی تعاملی درخصوص پدیده‌های آوایی در گفتگوهای روزمره است و درواقع سازماندهی آوایی گفتار روزمره مد نظر است (کوپرکهلن و سلتنینگ، ۱۹۹۶: ۲۳۱-۱۷۷).

زیبکوفسکی^۱ (۲۰۱۷: ۱۲۹-۹۵) بدین مسأله اشاره می‌کند که صوت Oh در انگلیسی نشانه ناگهان به یاد آوردن چیزی و بازنمایی جهت‌گیری یا همسویی تعاملی با مشارکین است. همچنین کارکرد بازنمایی تغییر حالت نیز دارد. یکی از اهداف تحلیل مکالمه این است که مشخص کند افراد چه مهارت‌هایی برای ساختن تعامل و مشارکت در آن دارند که به لحاظ اجتماعی بسیار نظام‌مند است. همچنین هر ادعای تحلیلی درخصوص تعامل اجتماعی را می‌توان براساس جهت‌گیری مشارکین مورد آزمون قرار داده، تأیید یا رد کرد. براساس حالت‌های مختلف ظاهر شدن oh و ویژگی‌های نوایی هر کدام مشخص می‌شود تعامل انسانی بر زیرساختی از زمینه‌های مفهومی مشترک و اهداف مشترک ساخته می‌شود. ویژگی عمومی تعامل حفظ زیروبمی مشابه و فواصل زمانی و توالی زیروبمی‌ها است. خطیب رهبر (۱۳۳۸) در پایان‌نامه دکتری به لحاظ تاریخی و از نگاه زبان‌شناسی به مطالعه معنی و کاربرد حروف اضافه و حروف ربط و اصوات در ادبیات فارسی می‌پردازد. وی به معنی و کاربرد این مقولات در ادبیات فارسی و تحول تاریخی آنها از دوره باستان تا امروز اشاره می‌کند.

در دستور سنتی، برای نمونه قریب و همکاران (۱۳۶۳) در تعریف اقسام کلمه به صوت اشاره می‌کنند. اصوات را کلماتی می‌دانند که برای بیان آفرین، تحسین، شگفتی، ندا، فریاد، بیم، آگاهی، تنبیه، تحذیر و همانند آنها به کار برده می‌شوند. در ادامه تنها به نمونه‌هایی از هر گروه اشاره می‌کنند که عبارتند از: ای، عجب، خوشا، آه، دریغا، زنهار و الا.

مولایی (۱۹۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به بررسی نشانگرهای تردید در کلام زبان‌آموزان ایرانی می‌پردازد. اصوات به عنوان بخشی از نشانگرهای تردید در گفتار فی‌البداهه زبان‌آموزان خارجی دو برابر بیشتر از گویشوران بومی و در گفتار مردان هر دو گروه بیشتر از زنان دیده می‌شود.

مؤمنی (۱۳۸۵) گفتمان‌نماهای فارسی را خب، آهان، راستی و غیره معرفی می‌کند و کاربرد آنها را تغییر موضوع، شفاف‌سازی، نشان دادن احساسات، تحریک برای ادامه سخن، گریز از ادامه سخن و غیره می‌داند.

صابری کهرودی (۱۳۸۸) معتقد است نقش‌نماهای گفتمان از طریق مرتبط کردن بخش‌های گفتمان به پیوستگی کمک می‌کنند. نقش‌نمای گفتمان پس بسامد بالایی دارد و در نقش‌های استنتاج و تغییر موضوع با همتای خود در انگلیسی (SO) هم‌خوانی دارد. احمدی گیوی و انوری (۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۷۰) معتقدند برای بیان حالات درونی و روحی از گونه‌ای از کلمات به نام شبه جمله یا صوت استفاده می‌شود. اقسام شبه جمله را به جهت معنایی به انواع زیر دسته‌بندی می‌کنند: امید و آرزو و دعا مانند کاش و الهی، تحسین و تشویق مانند مرحبا و به به، درد و تأسف مانند افسوس و واویلا، تعجب مانند اوه و عجب، تنبیه و تعذیر مانند زنهار و مبادا، امر مانند بسم‌الله و خفه، احترام و قبول مانند چشم و قربان، جواب و تصدیق مانند ای‌والله و البته، تفسیر مانند یعنی. درخصوص کاربردهای شبه جمله هم به این مسأله اشاره می‌کنند که شبه جمله جانشین جمله است، می‌تواند در هیئت جمله پایه، جمله پیرو به همراه داشته باشد، می‌تواند نقش قیدی پیدا کند یا در جایگاه مسند به‌کار رود.

احمدی‌زاده (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به ترجمه اصوات در دوبله از انگلیسی به فارسی می‌پردازد. در مقایسه فیلم چهار عروسی و یک مراسم تدفین با نسخه دوبله شده آن مشخص شد در ترجمه اصوات، استفاده از صوتی با صورت غیرمشابه اما معنای مشابه اولین و بهترین رویکرد مترجم بوده و در مرحله بعد ترجمه لفظی مد نظر بوده است. راهکار دوم که جنبه کاربردشناختی معنا و ملاحظات بافتی را نادیده می‌گیرد، باعث اختلال در معنای کاربردشناختی و اشتباه در ترجمه می‌شود.

داوری، قاسمی و کوکبی (۱۳۹۶: ۱۶-۹) معتقدند گفتمان‌نماهای افشا در فارسی که شامل حقیقت این است که...، مشکل اینجاست که...، واقعیت چنین است که... و نظایر آن می‌شوند، اغلب پیش‌درآمد جمله هستند و تصویری دستوری شده از بند پایه ارائه می‌دهند. گفتمان‌نماها معنی گزاره‌ای خاصی ندارند بلکه مفهومی به گفتمان اضافه می‌کنند. غیبت گفتمان‌نماها هیچ جمله‌ای را غیردستوری نمی‌کند. گفتمان‌نماهای افشا در واقع نقش رابط^۱ دارند. یعنی رابطه گزاره‌ها را مشخص می‌کنند. همچنین نقش فراگفتمانی^۲ و فراکاربردشناختی^۳ هم دارند. بدین معنا که روابط بینافردی^۴ را بیان می‌کنند.

-
1. connective
 2. metadiscourtic
 3. metapragmatic
 4. interpersonal

آرام و مشکین فام (۱۳۹۶: ۶۳-۵۱) گفتمان‌نماهای تأکیدی در فارسی را بدین شرح معرفی می‌کنند: ببین، ها/ها-، دیگه، آره، آخه، فقط، خيله خب و خب، پس، واقعاً، بابا، اصلاً، باز، جون تو/تو بمیری/به خدا/ خداییش/ تو رو خدا و پاره‌گفتارهای قسم خوردن، ان شاء الله، محض رضای خدا، که و گفته باشم هستند. از نظر آرام و مشکین فام (۱۳۹۶) ویژگی‌های گفتمان‌نماها عبارتند از: برقراری ارتباط بین بخش‌های کلام، اختیاری بودن و قابلیت حذف، عدم تأثیر بر محتوای گزاره‌ای، وقوع در جایگاه آغازین، استقلال نحوی، مربوط بودن به یک مدخل واژگانی، معنای کاربردشناختی، چندمقوله‌ای بودن. برای گفتمان‌نمای خب در فرانش بینافرادی نقش‌های تأکید و واکنش و در فرانش متنی نقش‌های حفظ نوبت، نوبت‌گیری، تغییر موضوع و علامت شروع و خاتمه گفتمان معرفی می‌شوند (آرام و مشکین فام، ۱۳۹۷: ۲۱-۹).

فرمهبینی فراهانی، حسن‌حیدری و صباغی (۱۴۰۰: ۲۴-۱) درخصوص شیوه‌های تأکید در شاهنامه به مطالعه داستان کاموس کشانی می‌پردازند. نتیجه این بررسی آن است که بخش عمده تأکید در شاهنامه در دو بخش عام و خاص با استفاده از ادات و واژگان خاص مانند اسم، گروه اسمی، صفت، فعل و گروه‌های گسسته قیدی شکل می‌گیرد. از آن میان تأکید خاص اسم از طریق ضمیر، شمول و کلیت و پیوندهای تخصیص و تأکید خاص فعل از راه قید صفت، سوگند، صوت، پیوند و جابه‌جایی آن امکان‌پذیر است.

آهنگر و مظفری (۱۴۰۰) به این مسأله اشاره می‌کنند که در برخی زبان‌ها نوعی هماهنگی میان پدیده‌های کاربردشناختی مانند ندا و منادا و اصوات از یک سو و مشخصه‌های نحوی مانند حالت، عدد و شخص از سوی دیگر برقرار است. در این بررسی لایه‌ای برای کارگفت‌ها بالاتر از CP در نظر می‌گیرند تا پدیده‌هایی مانند ندا و منادا، اصوات و دیگر پدیده‌های کاربردشناختی را به لحاظ نحوی بررسی کنند.

براساس آنچه از نظر گذشت، گفتمان‌نماها و اصوات در زبان‌های دیگر از منظر زبان‌شناسی تعاملی بررسی شده‌اند. در فارسی مطالعات دستور سستی و بررسی‌های زبان‌شناختی این عناصر زبانی با دید تعاملی مد نظر نبوده است. در این تحقیق، ویژگی اصلی معنای تعاملی که تأثیر بافت و مشارکین و همچنین تغییر مداوم شرایط تفسیر است مورد تأکید خواهد بود.

۴ روش پژوهش و تحلیل داده

داده‌های این تحقیق از درام اجتماعی کوچه بی‌نام انتخاب شده‌اند. درام اجتماعی

نزدیک‌ترین نوع دیالوگ‌ها را به مکالمات روزمره به دست می‌دهد. همچنین از آنجا که در این فیلم اکثر دیالوگ‌ها میان اعضای خانواده و در شرایطی مشابه دغدغه‌های روزمره صورت می‌گیرد، متنی بسیار شبیه به مکالمه روزمره در دست داریم. در این راستا، پس از اشاره‌ای کوتاه به داستان کلی فیلم، بخش‌هایی از مکالمات اعضای خانواده که بیشترین تعداد کاربرد گفتمان‌نما و اصوات را داشتند انتخاب شده و با به‌کارگیری الفبای آوایی آمریکای شمالی (NAPA) آوانویسی می‌شوند. سپس، این مکالمات براساس نمادهای جفرسونی بر مبنای آموزه‌های تحلیل مکالمه بررسی می‌شوند. در آخر گفتمان‌نماها و اصوات به لحاظ کارکرد و ویژگی‌های نوایی طبقه‌بندی و توصیف می‌شوند. به لحاظ تعاملی، گفتمان‌نماها و اصوات از ابزار در دسترس مشارکین در مکالمه برای پیشبرد مکالمه هستند و در کارکردهای گوناگون خود از نظر نوایی ویژگی‌های خاص خود را نشان می‌دهند.

نمادهای جفرسونی مورد استفاده در این تحقیق به شرح زیرند:

۱. نمادهای برچسب‌گذاری جفرسون

آهنگ افتان	↓	شروع و پایان همپوشی	[متن]
آهنگ خیزان	↑	مکث طولانی	(...)
سریع‌تر	<متن>	مکث کوتاه زیر ۰/۱ ثانیه	(.)
آهسته‌تر	>متن<	فریاد/ صدای بلند	حروف بزرگ
کشش واکه	∴	تأکید	متن
صدای بازدم	(hhh.)	صدای دم	(hhh)
		صدای جیرجیری	#

کوچه بی‌نام (۱۳۹۳) درامی اجتماعی به کارگردانی و نویسندگی هاتف علیمردانی است. شخصیت‌های قصه کوچه بی‌نام افراد ناکامی هستند که با عقیده‌های مختلف در یک خانه در کنار هم زندگی می‌کنند. داستان فیلم در خانواده‌ای مذهبی می‌گذرد. پسری که نسبت دوری با خانواده دارد قرار است به خرم‌آباد برود. پدر خانواده برای این سفر ناگهانی به جای اتوبوس، بلیت هواپیما تهیه می‌کند. هواپیما سقوط می‌کند و همه مسافران آن کشته می‌شوند، در حالی که خانواده مطمئن نیستند مسافرشان سوار هواپیما شده باشد. به دلیل ارتباط عمیق خانوادگی و چالش‌هایی که در پیشبرد داستان ایجاد می‌شوند، دیالوگ‌هایی بسیار شبیه به دیالوگ‌های روزمره میان اعضای خانواده دیده می‌شود.

در بررسی دیالوگ‌های مستخرج از فیلم مشخص می‌شود معانی اصوات و گفتمان‌هاها و نقش آنها با توجه به روند پیشرفت مکالمه و واکنش مخاطبان تعیین می‌شوند. به‌طورکلی می‌توان دید اصوات اصلی و ثانویه که واژه‌های تحییب و ناسزاها و همچنین عبارات احساسی مذهبی را دربرمی‌گیرند، به عنوان واحد آهنگی مجزا به کار رفته و به لحاظ ساختاری و معنایی نقش‌هایی چون بازنمایی احساس، مدیریت ساختاری و تعاملی دارند. از آن جمله می‌توان به ابراز صمیمیت و هیجان و همچنین اعتراض و هشدار اشاره کرد. درخصوص کارکرد ساختاری نمونه‌هایی مانند *ها؟، هاه؟ و هوم؟* با آهنگ خیزان دیده شد که با سرعت کم ادا می‌شوند و این خود باعث تأکید بر عبارت قبلی می‌شود.

Fatemeh: maman↑↓
 Ehteram: hum↑
 Fatemeh: dišæb ke mohædese dir næyumæd ke::↑
 Ehteram: næ↓

عبارت‌هایی مانند *یللی تللی و کل کل هم* با ویژگی‌های نوایی مشابه در دسته ارتباط متنی قرار می‌گیرند.

Ehteram: xejalæt dare↑ tu xunæzi ke hæme zæzadaren↑ daræn mizænæn tu særešun↑ xanum donbale yælæli tælæliye xodeš↓

Mohadeseh: maman↑ ye (hhh) bælazi sære xodæm miyaræma::↑

Ehteram: [babat ke miyad xunæ↓ nemiad babat::↑

همچنین در کارکرد کارگفتی خطاب و هشدار عباراتی مانند *زهر مار، قربونت برم، مشتی، هیس، واه واه و ای وای* با حجم بالای صدا، کشیده شدن و سرعت کم با بازنمایی تأکید در این مکالمات دیده شدند.

Mohadeseh: maman:: (...) maman:: (...) >vah↑< maman::↑ #

Ehteram: *quranic verses* (...) zæhre mar↓ >če mærgete::↑<

Mohadeseh: >maman ĵun↑ zinja xuneye ma hæm hæsta::↑ ma delemun mixad ino bebinim< (...) e::↓

Nasibeh: sis:: (hhh)

Nasibeh: baba bezar sære jaš::↓

Mohadeseh: his::↑ (hhh) be to če ræbti dare::↑ mæge pule tozæ::↑ e:: (hhh) keyli fuzuliya::↓

Nasibeh: xeyli porru šodiya::↓

Babak: hani↑ čænd ruze zævæz šodi↓ be mæn nægu↓ zæsæn qæziyeye hæmid o in dastanam nist↓ to ke mobaylet šarž dašt↑ čera ye zæng næzædi::↑ maštú↑ zadæm ye xodkar dašte baše↑ nemitune bæzde šiš mah↑ zenqæd rahæt bendazæteš dur↓ (.) mæn čiye zendegiye tozæm↑ hani↑ jævabe mæno bede↑ mæn čiye zendegiye tozæm↑

Mohadeseh: ešq bædtærin dærdesære donyast↓

Babak: nemifæhmi↑ baba mæn duset daræm↓ *whisper*

درخصوص بازنمایی احساس که به نظر می‌رسد کارکرد اصلی اصوات باشد، در دسته

بازنمایی ترس و هیجان نمونه‌هایی مانند *یا علی*، *یا حسین* و *ایشالا* با زیروبمی بالا و سرعت زیاد و همچنین در برخی موارد برای تأثیرگذاری بیشتر با کیفیت زمزمه‌ای دیده شدند.

Mohadeseh: mige zæng bezænin mojtæbaʔ hejle biyare vase mæjles↓ *crying*

Ehteram: vay (hhh)↓ ya zæli (hhh)↓

Furugh: zehteram↑

Ehteram: vay (hhh) ↓ ya zæli (hhh)↓

Nasibeh: baba pašoʔ baba::↑

Ehteram: mehdi ʔanʔ [hiçi nistʔ hiçi nistʔ hiçi nistʔ hiçi nistʔ]

Mehdi: [ya hoseynʔ ya hoseynʔ ya hoseyn::↓

Mohadeseh: [vay (hhh)↑

Ehteram: [xab didiʔ haʔ mehdiʔ xab didi↓

Mehdi: [ya hoseynʔ ya hoseynʔ ya hoseyn::↓

در بازنمایی اعتراض اصواتی مانند *وای*، *وا*، *اه*، *به درک* و *استغفرالله* با کشیدگی برای تأکید، زیروبمی بالا و گاهی کیفیت نفسی برای انتقال فضای صمیمی به کار گرفته شدند.

Mohadeseh: naxunæm kænde šod↓

Ehteram: be dæræk↓ zin pesære ki bud::↑ zaberumo jelo dæro hæmsaye bordi↓

Ehteram: xeʔalæt bekeš↓ bædbæxtʔ vase xodet migæm↓ ye zædæmʔ zage niyæte dorost dašte bašeʔ tu xiyabun ba zædæm qærar nemizare↓ pa mišeʔ miyadʔ xastegari↓

Mohadeseh: boro baba↓:: (hhh)

Mohadeseh: maman (hhh)↑

Ehteram: humʔ

Mohadeseh: ta hala zæseq šodi::↑ (hhh)

Ehteram: zæstæqforelahʔ çe bihæyaziye zin doxtær↓ xodaya::↓

Nasibeh: zee:: (hhh)↑ zæziyæteš nækon↓

همچنین اصواتی که نشانه صمیمیت بودند شامل *ووی*، *اوهوم*، *ای جان* و *ماشالا* با کیفیت نفسی، سرعت کم و کشیده ادا شدند.

Ehteram: vay:: (hhh) xodaya šokret↓ *crying*

Ehteram: [furuq ʔanʔ qorbunet beræmʔ næbude hæmidʔ næbude tu hævapeymaʔ næbudeʔ næbudeʔ næbudeʔ (hhh) zey ʔanʔ zey ʔanʔ]

Mohadeseh: ye xorde zæz zin boxor↓ biyaʔ qorbunet beræm↓

درخصوص نقش گفتمان‌ها در ساختار متن داده‌های حاصل از این مکالمات را در چهار گروه ارتباط بافتی، بیان موضوع جدید، نتیجه‌گیری و مدیریت نوبت دسته‌بندی کردیم. در گروه گفتمان‌هایی که ارتباط بافتی را نشان می‌دهند نمونه‌هایی مانند *یهو*، *اون* دفعه و *حالا* اصن دیدیم که با سرعت زیاد و شدت کم به کار برده شدند.

Mohadeseh: zin ruza hæmæš pul xurde be qorzana::↑ hey hærfæ mæno guš nemideʔ beheš goftæm baba zævokado biyar↓ (hhh) *whispery* >mæsælæn ma ʔun dæfe ba babæk raftimʔ xob::↑ babæk ye zænqadišo gereftʔ dævazdæh tomæn↓ be zæbolfæzl zænqæd bud↓ [dævazdæh hezar tomæn↓

Nasibeh: [tu zin mæhælʔ kesi zæz zin pula nemide::↓

در دسته بیان موضوع جدید، مواردی مانند *خب، حالا، راستی و بعدم* با همان ویژگی سرعت و تأکید بر واژه بعدی روبه‌رو بودیم.

Furugh: >særo seda miyumæd zæz pošte zašpæzxune↑ <yeho væhm væræm dašt↓
giggling

Mehdi: >xob miræfti<↑ piše zehteram ina:::↑

Furugh: næ dige↑ goftæm hæmid miyad↓

Mehdi: >zey baba<↑ zæz zin be bæzd bere↑ čī mixay bokoni:::↑

گفتمان‌نماهایی مانند *دیگه، خیلی خب، آها* و *پس با آهنگ افتان و کاهش تدریجی* زیرومی نشانه نتیجه‌گیری بودند.

Mohadeseh: pulešo ke rum nemiše↑ be nilufær begæm↑ čeqædr miše:::↑

Mehdi: xob↑ bayæd pulešo bedæm dige:::↓

Mohadeseh: xob↑ pulešo mide dige↑ >mire zunja bilitešo migire↑ pulešo mide<↓

Mehdi: [zaha zaha↑ fæhmidæm↑ fæhmidæm↓

Mohadeseh: [zey baba:::↓

گروه آخر از مدیریت نوبت شامل نمونه‌هایی مانند *والا به خدا، ایستا و بابا/آقا* بود که باز هم با سرعت و بدون تأکید بر خود گفتمان‌نما به کار رفته بودند.

Hamid: baba↑ >migæm mæn bilite zutubus gereftæm bæraye hæfte sob nemixad<

Mehdi: [vaysta↓ zæzize mæn↑ – beheš begu↑ ye bilite hævapeyma bæraye hæmid begire↑ bæraye færdā↑ [bere xoræmabad↓

در رابطه با کارکرد گفتمان‌نماها در بیان احساس و ایده، داده‌ها را به شش گروه دسته‌بندی کردیم. در گروه خطاب و برای جلب توجه، نمونه‌هایی مانند *ای بابا، نیگا* و *خب؟ بدون مکث، با سرعت بالا* و با شدت کم شناسایی شدند.

Nasibeh: zey baba↑ bæste dige↑ xunæro gozaštīn ru særetun:::↓ – maman↑ veleş kon dige↑ bikari to hæm hey bahash kæł kæł mikonihā:::↑

Ehteram: baba kariš nædaræm↓

Nasibeh: ze (hhh)

Ehteram: ze:::↑

در گروه بیان اغراق، مواردی مانند *تورو قرآن، دیگه و که* با سرعت و با تأکید بر واژه‌های قبل و بعد خود به کار رفتند.

Hamid: [zæmu↑ qorbunet beræm↑ migæm nemixad dige:::↓

Mehdi: [zaqa rah xeyli dure:::↓ – mohædese:::↑

Mohadeseh: hæł šod↓ pærvaz šiše sobe↑ fæqæt čon dige zælan dir šode↑ zažansa sistemešuno bæstæn↑ bayæd bere paye pærvaz↓

Hamid: ze::: xob↑ dæstet dærd nækone↑ nemixad↓

Fathali: ze::: yani čī:::↑

در بیان تعجب و تردید، گفتمان‌نماهایی مانند *عه خب و نه بابا* با سرعت و بدون مکث قبل و بعد دیده شدند.

Nasibe: (...) >dare mire↓:::<
 Mohadeseh: >xob bere↓ dare mire sære kar:::< mæge nemixasti bere sære kar:::↑
 Nasibe: >xob dige< nemibinæmeš:::↓
 Mohadeseh: zu:::↑ xob hala miyad↑ hæŕ čænd væqt ye bar↑ >dige nemibinæmeš< >pašo pašo:::↑ berim nahar boxorim↓

گفتمان‌نماهایی مانند *هی، یعنی، پس چی و آخه* در کارکرد ابراز ناراحتی و اعتراض با ویژگی‌های نوایی سرعت بالا و عدم تأکید مشاهده شدند.

Furugh: jenazæšo peyda kærdi:::↑
 Mehdi: xak bæŕ sære mæn↑ xak bæŕ sære mæn↑ čera esrar kærdæm↑ zin bače bere tu hævapeyma:::↑ *crying*
 Furugh: xo pæs či miği:::↑ pas či miği:::↑ (...) ye zomŕ hæŕ čŷ gofti↑ goftim čašm↓ yek kælæme ru hærfet hærf næzædim↓ to gofti↑ ma særemuno zændaxtim pazin↓ zin dæfze dige nemizaræm↓ ta jenazeve bæčæmo tæhvilæm nædin↑ nemizaræm bæraš majles begin:::↓
 Furugh: kafš:::↑ vase xatere ye lenge kafš↑ miği bačeye mæn morde:::↑ zæqlet koja ræfte:::↑ zun bæče zæsæn sævare hævapeyma næšode:::↓ baba↑ mæn bæčeye xodæmo mišnasæm:::↓ ba zun hali ke zun ræfti↑ zæsæn næŕæfte furudgah:::↓ zeh:::↓ zaxe to ke nemiduni↑ čŷ šode:::↓ zæsæn næbayæd beheš migoftæm:::↓ *crying* zæz bæš xæræm:::↓ bixodi bæčæro zavare kærdæm↑ mælum nist zælan zæz koja sæŕ dæŕavorde:::↓

در کارکرد توجیه و احتیاط، نمونه‌هایی مانند *به قرآن، بعد اصن، اصن* با سرعت زیاد ادا شدند و همچنین به عنوان مرزنا عمل کردند. آهنگ خیزان نشانه پایان نیافتن نوبت و آهنگ افتان در پایان نوبت دیده می‌شوند.

Nasibeh: (...) ye čizi begæm↑ guš mikoni:::↑
 Mohadeseh: hah↑
 Nasibeh: bebin babæk pesære xubiyeha↑ væli hiždæh sal æz to bozorgtære↑ bazd zun zæsæn zæno bæče dare:::↓
 Mohadeseh: his:::↑ heh (hhh)↓ čŷe bozorgtære↑ bozorgtære↑ baba sen fæqæt ye zædæde↓ bædæm babæk beybi feyse↑ næhayætæn si siyodo beheš mixore↑ bædæm hey nægu↑ zæn dare↑ zæn dare↓ zæne čŷyo dare↑ dare joda miše↓ *whispery*
 Nasibeh: ha↑ to fek kærdi↑ maman ina↑ bedunæn zun zæno bæče dare↑ mizaræn to bahaš zæzdevaj koni:::↑
 Mohadeseh: næzaræn↓ zæslæn ma ke darim mirim:::↓

در گروه کارگفت ابراز تشکر گفتمان‌نمای *نه بابا* هم با سرعت و با آهنگ افتان دیده شد.

Mohadeseh: maman↑ raze to čŷye:::↑ (...) qæhri hænuz:::↑
 Ehteram: næ baba↑ čŷ qæhri:::↑
 Mohadeseh: pæs begu↓ razet čŷye:::↑
 Ehteram: zæge begæm↑ ke dige raz nist↓

به‌طورکلی به نظر می‌رسد در رابطه با اصوات شاهد دیرش بالا، سرعت کم و زیرویمی بالا با هدف تأکید بر کارکردهای مختلف این ابزار زبانی هستیم. مکث قبل و بعد از اصوات به عنوان گروه آهنگی، باعث دریافت معنای تأکیدی در مورد عبارت‌های قبل و بعد آنها می‌شود. برخی اصوات خاص در این مکالمه‌ها مربوط به گفتمان فضای خانواده مذهبی از قشر متوسط است که با هدف تأثیرگذاری بیشتر گفتمان سینمایی با اغراق بیشتر در استفاده از ابزار نوایی نیز همراه می‌شود. در واقع اصوات اگر تنوع آوایی و نوایی محدودی داشته باشند، باز هم با توجه به جایگاه وقوع و ویژگی‌های تولیدی، نقش‌های مختلفی برعهده دارند.

Ehteram: ʒələhəzəkbaer ↑(hhh) vala be xoda↑ >tu xunezi ke zin čiza pæxš miše↑
 šəyatin rexne mikone↑ mələzəke pa nemizarəen↓<
 Mohadəseh: [ʒe::: be baba č̣i kar dari↑ divunəem kærđi↑ be ʒemam hoseyn↑
 mizarəem ʒajin xune mirəem↑
 Ehteram: his his his ::: ↑

گفتمان‌هاها نیز استقلال نوایی دارند و اغلب تکیه‌زدایی شده و با مکث قبل و بعد به کار می‌روند. نقش آنها به لحاظ ساختاری، معرفی موضوع جدید، نتیجه‌گیری و مدیریت نوبت است و به لحاظ معنایی نیز احساس‌های مختلف را بازنمایی می‌کنند که از آن جمله می‌توان به جلب توجه، اغراق، تردید و غیره اشاره کرد. همچنین گفتمان‌هاها ارتباط بخش‌های متن و ارتباط آن را با بافت وقوع مشخص می‌کنند. در کل در مورد گفتمان‌هاها شاهد سرعت در تولید، عدم تأکید بر خود گفتمان‌هاها و شدت کم هستیم که خود گویای حذف نقش معنایی آنها و تغییر در راستای دستوری‌شدگی و کارکرد کاربردشناختی است. به نظر می‌رسد به دلیل انتخاب دیالوگ‌ها از درام اجتماعی که بیشتر مکالمات بین اعضای خانواده در جریان است موارد متعددی از کاربرد گفتمان‌هاها در جایگاه مکث ابتدایی و مکث خالی را شاهد هستیم.

با توجه به اصوات و گفتمان‌هاهایی که در این مکالمات مورد استفاده قرار گرفته بودند و با در نظر گرفتن عناصر نوایی و کارکردهای هر یک می‌توان دو جدول زیر را به دست داد.

۲. ویژگی‌های نوایی گفتمان‌هاها

۳. ویژگی‌های نوایی اصوات

طبقه‌بندی گفتمان‌نماها		ویژگی‌های نوایی (زیروبمی، حجم صدا، ریتم، کیفیت صدا)
احساس با ایدیه	جلب توجه و خطاب	بابا، ای بابا، آقا، خب؟، ببین، نیگا
	اغراق و تأکید	نه دیگه، تو رو قرآن، دیگه، تو رو خدا، که
	تعجب و تردید	نه بابا، عه خب
	ناراحتی و اعتراض	هی، یعنی، ای بابا، آخه، پس چی
	توجیه و احتیاط	به قرآن، به ابوالفضل، که، بیا اصن، بعد اصن، بعدم، اصن که
	لذت و تشکر	نه بابا
تکرار	ارتباط بافتی	یهو، ای بابا، اون دفعه، واستا، حالا اصن، بالآخره
	موضوع جدید	خب، حالا، الان، راستی، بعدم، اصلنم
	نتیجه‌گیری	-/ها، دیگه، خیلی خب، که، آها آها، پس
	مدیریت نوبت	والا به خدا، بابا/آقا، بعداً، وایستا، شروع ادامه‌دار با آهنگ خیزان، سریع، بدون تأکید

طبقه‌بندی اصوات		ویژگی‌های نوایی (زیروبمی، حجم صدا، ریتم، کیفیت صدا)
ترس و هیجان	واه، یا امام زمان، یا ابوالفضل، یا علی، یا حسین، ایشالا	زیروبمی بالا، سرعت زیاد، آهنگ افتان پایانی، زمزمه، تأکید
اعتراض و کلافگی	آه، عه، او، الله اکبر، آه، وای، واه، هاه؟، خاک بر سر من، به درک، واییش، آخ، استغفرالله	کشیده، دیرش بیشتر برای تأکید، آهنگ خیزان غیرپایانی، کیفیت نفسی برای صمیمیت، تأکید، زیروبمی بالا
خطاب و هشدار	زهر مار، هیس، سیس، قریونت برم، -/ها، هانی، مشتی، بدبخت، به امام حسین، اوخ، واه واه واه، خدایا، ای وای	شدت و حجم صدا، مکث قبل، کشیده، تأکید، سرعت کم
لذت و صمیمیت	ووی، هه هه، اوهم، هاه، وای، ای جان، ماشالا	کیفیت نفسی، سرعت کم، کشیده، تأکید
ارتباط متنی	ها؟ هاه؟ هوم؟، قر قر قر، یلی تلی، کل کل	خیزان پرسشی، تأکید بر عبارت قبلی، سرعت کم

۵ نتیجه‌گیری

در این مقاله براساس مبانی نظری زبان‌شناسی تعاملی تلاش شد ویژگی‌های نوایی اصوات و گفتمان‌نماها در مکالمات فارسی مورد بررسی قرار گیرند. برای این منظور مکالماتی شامل اصوات و گفتمان‌نماها از درام اجتماعی کوچه بی‌نام انتخاب شده و بعد از آوانویسی آمریکایی با توجه به نمادهای جفرسونی تحلیل شدند. با توجه به ویژگی‌های درام اجتماعی که به لحاظ زبانی بیشترین شباهت را به زبان روزمره دارد و همچنین به واسطه انگیزه بودن زبان گفتمان سینما و برقراری ارتباط دال و مدلول که باید در جهت پیشبرد روایت برای مخاطبان به راحتی صورت گیرد، دسترسی به معانی ساده‌تر بوده و می‌توان برداشت‌ها را براساس روایت کلی داستان بررسی کرد.

اصوات برای مشخص کردن واکنش مشارکین در مکالمه نسبت به تبادل اطلاعات نقش مهمی دارند. براساس تفاوت در زیروبمی، ارتفاع و کیفیت صدا، هر صوت معنای احساسی و وضعیت شناختی متفاوتی را نشان می‌دهد. همچنین گفتمان‌نماها عناصری زبانی هستند که روابط بین واحدهای کلام را برقرار می‌کنند یعنی در گفتمان پیوستگی ایجاد می‌کنند و از انحراف جلوگیری می‌کنند.

بر این اساس، گفتمان‌نماها و اصوات براساس نقش و ساختار طبقه‌بندی می‌شوند. ویژگی‌های نوایی هر کدام مشخص و نقش هر کدام براساس دیدگاه تعاملی توصیف شدند. گفتمان‌نماها در سطح گفتمان عمل می‌کنند و مستقل از نحو هستند. حتی امکان دارد یک واژه خاص در مکالمه نقش گفتمان‌نما پیدا کند. عناصر نوایی مشخص می‌کنند چه معنایی از گفتمان‌نماها درک شود. در نگاه تعاملی معنای واژه‌ها از پیش تعیین شده نیستند و دائماً معانی، مورد مذاکره و تغییر قرار می‌گیرند.

در رابطه با ویژگی‌های نوایی اصوات و گفتمان‌نماها در این مطالعه مشخص شد هر دو گروه به عنوان واحد مجزای آهنگی با مکث قبل و بعد به کار می‌روند. اغلب تکیه‌زدوده هستند. در مورد گفتمان‌نماها شاهد سرعت بالا و در اصوات شاهد افزایش دیرش هستیم. هر دو گروه هم نقش ساختاری و هم نقش انتقال معنا دارند.

منابع

آرام، یوسف و مهرداد مشکین‌فام (۱۳۹۶). «بررسی گفتمان‌نماهای تأکیدی در زبان فارسی با تکیه بر سه فیلم تلویزیونی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*. س ۲، دوره اول، پیاپی ۳، ۶۳-۴۱.

- آرام، یوسف و مهرداد مشکین‌فام (۱۳۹۷). «بررسی پیکره‌بنیاد گفتمان‌نمای خب در زبان فارسی». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی. دوره دوم، ش ۱ (پیاپی ۳)، ۹-۲۱.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی ۱*. ویرایش چهارم، چاپ اول، انتشارات فاطمی.
- احمدی‌زاده، معصومه (۱۳۹۲). ترجمه شبه‌جمله (اصوات) در دوبله از انگلیسی به فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترجمه. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- آهنگر، عباسعلی و زهرا مظفری (۱۴۰۰). «ناد و منادا در مرز نحو و کاربردشناسی در زبان فارسی». *زبان‌پژوهی*. س ۱۳، ش ۳۹، ۲۵۶-۲۳۵.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۳۸). تحقیق تاریخی و زبان‌شناسی درباره معانی و طرز به‌کاربردن حروف اضافه و حروف ربط و اصوات در ادبیات فارسی و تحول تاریخی آنها از دوره باستان تا امروز. پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه تهران.
- داوری، شادی، محسن قاسمی و بهناز کویکی (۱۳۹۶). «گفتمان‌نمای افشا در زبان فارسی: رویکرد دستوری‌شدگی». فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی. پیاپی ۲، ۱۶-۹.
- صابری کرهرودی، رضا (۱۳۸۸). بررسی نقش‌نمای گفتمان «پس» در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
- طاهری قلعه‌نو، الهه و محمد دبیرمقدم (۱۳۹۸). «تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از گفتمان‌نماها در گفتمان روایی: مطالعه موردی کودکان فارسی‌زبان یازده ساله تهرانی». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. س ۱۱، ش ۱، پیاپی ۲۰، ۱۷۲-۱۴۱.
- علیمردانی، هاتف (۱۳۹۳). *کوچه بی‌نام*، (درام اجتماعی)، تهیه‌کننده: منصور لشکری قوچانی.
- فرمهینی فراهانی، الهام، حسن حیدری و علی صباغی (۱۴۰۰). «شیوه‌ها و شگردهای تأکید در شاهنامه؛ با تمرکز بر مطالعه داستان کاموس کشانی». *فنون ادبی*. س ۱۳، ش ۱، پیاپی ۳۴، ۲۴-۱.
- قریب، عبدالعظیم، جلال همایی، رشید یاسمی، بدیع‌الزمان فروزان‌فر و ملک‌الشعرای بهار (۱۳۶۳). *دستور زبان فارسی پنج استاد*. انتشارات مرکزی.
- مقدم‌کیا، رضا (۱۳۸۳). «بعد، نقش‌نمای گفتمان در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. س ۶، ش ۳ (پیاپی ۲۳)، ۹۸-۸۱.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۵). نشانگرهای گفتمان در زبان فارسی و انگلیسی. فصلنامه پازند، شماره ۵، ۵۱-۶۵.
- Barth-Weingarten, Dagmar, Nicole Dehé and Anne Wichmann (2009). *Where Prosody Meets Pragmatics*. Emerald, United Kingdom, North America, Japan, India, Malaysia, China.
- Bolinger, Dwight (1989). *Intonation and its Uses: Melody in Grammar and Discourse*. Stanford University Press, Stanford, California.
- Cabarrão, Vera, Helena Moniz, Jaime Ferreira, Fernando Batista, Isabel Trancoso, Ana Isabel Mata, and Sérgio Curto (2015). "Prosodic Classification of Discourse Markers". Conference paper. ICPhS 2015, Glasgow, Scotland.
- Couper-Kuhlen, E. (2009), "Relatedness and Timing in Talk-in-Interaction" in *Where Prosody Meets Pragmatics*, D. Barth-Weingarten, N. Dehé, A. Wichmann (eds.), Emerald: United Kingdom, North America, Japan, India, Malaysia, China, pp. 257-277

- Couper-Kuhlen, Elizabeth and Cecilia E. Ford (2004). "Conversation and Phonetics: Essential Connections". in *Sound Patterns in Interaction: Cross-linguistic Studies from Conversation*. John Benjamins, Amsterdam, pp. 3-25.
- Couper-Kuhlen, E. and M. Selting (2001), "Introducing Interactional Linguistics" in *Studies in Interactional Linguistics*, Selting, M. and E. Couper-Kuhlen (eds.), John Benjamins Publishing Company, Amsterdam/Philadelphia, pp. 1-23
- Couper-Kuhlen, Elizabeth and Margret Selting, (1996). *Prosody in Conversation*. Cambridge University Press.
- Gumperz, J. J. (1992), "Contextualization Revisited" in *The Contextualization of Language*, P. Auer and A. D. Luzio (eds.), John Benjamins Publishing Company, pp. 39-60
- Hayashi, M., G. Raymond and J. Sidnell (2013), "Conversational Repair and Human Understanding: an Introduction" in *Conversational Repair and Human Understanding*, Hayashi, M., Raymond, G. and Sidnell J. (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, pp. 1-41
- Horne, M. (2009), "Creaky Fillers and Speaker Attitude: Data from Swedish" in *Where Prosody Meets Pragmatics*, D. Barth-Weingarten, N. Dehé and A. Wichmann (eds), Emerald
- House, J. (2009), "Prosody and Context Selection: A Procedural Approach" in *Where Prosody Meets Pragmatics*, D. Barth-Weingarten, N. Dehé, A. Wichmann (eds.), Emerald: United Kingdom, North America, Japan, India, Malaysia, China, pp. 129-143.
- Imo, Wolfgang (2005). "A Construction Grammar Approach to the Phrase "I mean" in Spoken English". InLiSt, *Interaction and Linguistic Structures*. no. 42.
- Lam, P. W. Y. (2009), "What a Difference the Prosody Makes: The Role of Prosody in the Study of Discourse Particles", in *Where Prosody Meets Pragmatics*, D. Barth-Weingarten, N. Dehé, A. Wichmann (eds.), Emerald: United Kingdom, North America, Japan, India, Malaysia, China, pp. 107-129
- Lee, Lou, Denis Jouvét, Katarina Bartkova, Yvon Keromnes, and Mathilde Dargnat (2020). "Correlation between Prosody and Pragmatics: Case Study of Discourse Markers in French and English". Conference paper. INTERSPEECH 2020. Oct., 2020, Shanghai, China.
- Lee, Lou, Katarina Bartkova, Denis Jouvét, Mathilde Dargnat, and Yvon Keromnes (2019). "Can Prosody Meet Pragmatics? Case of Discourse Particles in French". conference paper, ICPhS 2019, International Congress of Phonetic Sciences, Aug. 2019, Melbourne, Australia.
- Local, J. (1996), "Conversational Phonetics: Some Aspects of News Receipts in Everyday Talk" in *Prosody in Conversation*, E. Couper-Kuhlen and M. Selting (eds), Cambridge University Press
- Local, J. (2004), "Getting Back to Prior Talk: and-uh(m) as a Back-Connecting Device in British and American English" in *Sound Patterns in Interaction, Cross-Linguistic Studies from Conversation*, Couper-Kuhlen, E. and C. E. Ford (eds.), John Benjamins Publishing Company, Amsterdam, Philadelphia, pp. 377-401
- Matrood, Sami Basheer (2010). "Interjections in English: An Interlingual Pragmatic Study". *Journal of Al-qadisiya in Arts and Educational Science*. Vol. 10, Iss. 2, summer 2010, PP. 27-38.
- Matzen, Laura (2004). "Discourse Markers and Prosody: A Case Study of So". in *Language, Thought and Reality*. Ed. Fulton, Gordon D., William J. Sullivan, and Arle R. Lommel, The Linguistic Association of Canada and the United States, pp. 75-94.
- Michilsen, Vera (2019). "On the Relation between the Prosody and Discourse Functions of Well". BA Thesis. Utrecht University, English Language and Culture, June 2019.
- Mowlaei, Bahram (1996). *Analysis of Hesitation Markers in Iranian EFL Learners' and English Native Speakers' Speech*. Master's Thesis in TEFL. Isafahan University
- Müller, F. E. (1996), "Affiliating and Disaffiliating with Continuers: Prosodic Aspects of

- Recipency” in *Prosody in Conversation*, Couper-Kuhlen, E. and M. Selting (eds.), Cambridge University Press, Cambridge, pp. 131-177
- Norrick, Neal (2007). “Discussion Article: Pragmatic Markers, Interjections and Discourse”. *Catalan Journal of Linguistics*. 6 (1), PP. 159-168.
- Sacks, H., E. A. Schegloff and G. Jefferson (1974), “A Simplest Systematics for the Organization of Turn-Taking in Conversation” in *Language*, Vol. 50, No. 4, part 1, Linguistic Society of America, pp. 696-735
- Selting, M. (2010), “Prosody in Interaction: State of the art” in *Prosody in Interaction*, D. Barth Weingarten, E. Reber and M. Selting (eds.), John Benjamins Publishing Company: Amsterdam, Philadelphia, pp. 3-41
- Selting, Margret and Elizabeth Couper-Kuhlen (2001). *Studies in Interactional Linguistics*. John Benjamin Publishing Company, Amsterdam, Philadelphia.
- Uhmann, S. (1996), “On Rhythm in Everyday German Conversation: Beat Clashes in Assessment Utterances” in *Prosody in Conversation*, Couper-Kuhlen, E. and M. Selting (eds.), Cambridge University Press, Cambridge, pp. 303-366
- Wennerstrom, A. (2001), *The Music of Everyday Speech, Prosody and Discourse Analysis*, Oxford University Press
- Wichmann, A., N. Dehé, D. Barth-Weingarten (2009), “Where Prosody Meets Pragmatics: Research at the Interface”, in *Where Prosody Meets Pragmatics*, D. Barth-Weingarten, N. Dehé, A. Wichmann (eds.), Emerald: United Kingdom, North America, Japan, India, Malaysia, China, pp. 1-23.
- Yang, Li-chiung (2010). “Meaning and Context: Prosodic Variation of Interjections in Conversational Speech”. Conference paper, *Speech Prosody*. Chicago, USA.
- Zbikowsky, Lawrence Michael (2017). *Foundations of Musical Grammar*. Oxford University Press.

استناد به این مقاله: امرالهی، تینا؛ مدرس‌سی قوامی، گلناز. (۱۴۰۱). نگاه تعاملی به ویژگی‌های نوایی اصوات و گفتمان‌نماها. *زبان و زبان‌شناسی* ۱۸(۳۶)، ۱۰۹-۸۳. doi: 10.30465/isi.2023.44538.1664